

آشنایی با پیشگامان بیداری اسلامی(۹)؛ علامه شیخ محمدتقی قمی

مقاله ۱۲، دوره سوم، شماره هفتم، تابستان ۱۳۹۳، صفحه ۱۶۳-۱۷۲ XML

نوع مقاله: شماره هفتم

نویسندگان

حامد رستمی نجف آبادی*

دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی

اصل مقاله

مقدمه

علامه محمدتقی قمی از پیشگامان و منادیان وحدت اسلامی بود و عمر خود را یکسره برای تحقق آن آرمان نهاد. وی بیش از پنجاه سال پیش بزرگ «تقریب بین مذاهب اسلامی» را در قاهره کاشت و خود با یاری مرحوم علامه شیخ محمود شلتوت و دیگر مصلحان عصر، «جمعیت دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» را تأسیس کرد. آن فقید کوششهای ارزشمند و مفیدی برای تقریب بین مذاهب اسلامی انجام داد و بسیاری از سوءتفاهمات و اختلافات میان مذاهب اسلامی را به مدد روشنگریهای فکری از میان زدود. انتشار مجله «رساله-الاسلام» از باقیات صالحات علامه قمی بود که به صورت ارگانی برای وحدت پیروان مذاهب اسلامی درآمد. از این فصلنامه، بیش از ۶۰ شماره با مقالاتی از شخصیت‌های برجسته و علمای بزرگ مذاهب اسلامی منتشر شده که در واقع دایرة-المعارفی محسوب می‌شود.

صدور فتوای تاریخی شیخ الأزهر، علامه شیخ محمود شلتوت در جواز پیروی از مذهب شیعه، در شمار دستاوردهای جمعیت دارالتقریب بود که علامه قمی در آن نقش بسزایی داشت.

نگاه اجمالی به تلاش شصت ساله علامه شیخ محمدتقی قمی بیانگر اهتمام ویژه وی به مسأله تقریب و وحدت میان مذاهب اسلامی است.

۱) تولد و زندگی‌نامه

در سال ۱۲۸۹ هجری شمسی (مطابق با ۱۹۱۰ میلادی) در شهر مقدس قم، در خانواده‌ای از اهل علم و دانش، نوزادی به دنیا آمد که وی را محمدتقی نام نهادند. پدرش شیخ احمد از عالمان دین، و یکی از قضات بزرگ شهر تهران بوده است.

وی دروس ابتدایی را در تهران فرا گرفت و به حفظ قرآن و یادگیری زبان و ادبیات عربی پرداخت. پس از سپری کردن دوره تحصیلات دبیرستان به مدرسه عالی ادبیات راه یافت و در خلال آن به فراگیری زبان فرانسوی پرداخت و همزمان به تحصیل علوم دینی هم مشغول شد و زیر نظر اساتید برجسته، در علم فقه، اصول، کلام و سایر علوم دینی به آموزش و پژوهش پرداخت. وی در ادامه تلاشهای علمی-اش علاوه بر سه زبان فارسی، عربی، فرانسوی، با زبان انگلیسی هم آشنا شد از این رو، به منابع وسیعی دسترسی داشت و با احاطه بر آنها همواره بر اندوخته‌های علمی-اش می‌افزود و پس از چندی به درجه استادی رسید و در عرصه علمی - فرهنگی فعالیت خوبی را ارائه داده است.

۲) زمینه‌های روی-آوری به تقریب

نگاه اجمالی به تلاش شصت ساله علامه شیخ محمدتقی قمی بیانگر اهتمام ویژه وی به مسأله تقریب میان مذاهب اسلامی است. لیکن پیش از پرداختن به زوایای گوناگون آن، شایسته است به زمینه‌های روی-آوری وی به تقریب اشاره‌ای شود. وی همانند دیگر مصلحان امت اسلامی از وضعیت نابهنجار عمومی جامعه اسلامی به ویژه درگیری‌های میان شیعه و سنی رنج می‌برد. به ویژه آن که در زمان وی حادثه دردناک کشتن (اعدام) یک حاجی ایرانی از ذریه پیامبر(صلی الله علیه وآله) به اتهام اهانت به کعبه مکرمه اتفاق افتاد. اجمال آن چنین بود که یکی از حجاج ایرانی در اثناء طواف، حالتش به هم خورد، و نتوانست از میان طواف کنندگان خودش را بیرون کشد، دامن پیراهنش را جمع کرد و آنچه را که بالا آورده بود در آن ریخت تا مبادا، مطاف و مسجد الارض آلوده گردد، سپس با سرعت خواست از مسجد خارج گردد که پلیس وی را دستگیر کرده، از آنچه که در دامنش بود، پرسید و چون وی نتوانست به عربی سخن گوید تلاش کرد به زبان فارسی جریان را به او بفهماند ولی نتوانست او را متوجه سازد. پلیس وی را تحویل دادگاه داد و در آن زمانها یا مترجمان فارسی زبان نبودند یا آنان پیگیری نکردند و بر اساس او هام و خیالبافیهای خود و برداشتهای نادرستی که از ایرانی و شیعه داشتند، تصور کرده‌اند که همه ایرانیها جهت حج به نجف و کربلا می‌روند و آمدن آنها به مکه فقط برای اهانت کردن ببيت الله الحرام است! و سپس نتیجه گرفتند که این شخص قصد داشت کعبه را نجس و اهانت کند، لذا، حکم اعدام صادر کردند ... و با اجرای حکم، گردنش را زدند!

این حادثه دردناک، روح و جان شیخ محمدتقی را تکان داده است و وی را واداشت تا به کار بزرگی پردازد که بتواند میان مذاهب مختلف، آشتی و روح محبت و مودت ایجاد کند و عوامل تفرقه و کینه را از میان بردارد.

۳) سفر به لبنان

از این رو، برای آغاز فعالیت، کشور مصر را برگزید که به چند جهت حائز اهمیت بود و مهم‌ترین آن برخورداری از بزرگترین مرکز اسلامی در جهان بود به نام دانشگاه الأزهر و از آنجا که شیخ در ابتدا نتوانست به خوبی به زبان عربی تکلم کند، به لبنان مسافرت کرد تا به تقویت مکالمه عربی پردازد.

وی یکی از روستاها را برای اقامت انتخاب کرد تا با پیران و جوانان در طول شبانه‌روز به گفتگو و معاشرت پردازد و بتواند از این طریق در طول چند ماه، بر تکلم عربی مسلط شود.

شیخ محمدتقی در خاطرات این ایام، جریان یک مرد مسیحی را - در برخی از مقالاتش آورده است - که سعی می‌کرده، محبت و دوستی اهل روستا را کسب کند و مردم روستا هم وی را دوست داشته، احترام خاصی برای او قائل بودند به گونه‌ای که وقتی به خیابان می‌رفت، مردم بر گردش حلقه می‌زدند، با او سخن می‌گفتند، دستش را می‌بوسیدند.

این گونه برخوردهای محبت‌آمیز، پرسشی را در ذهن شیخ برانگیخت تا این که روزی، راز و رمز آن را از مرد مسیحی پرسید، وی در پاسخ با اشاره به مدرسه‌ای که در کنار کلیسای روستا قرار داشته، گفت: علت این همه صمیمیت و احترام این مدرسه است. ما سعی می‌کنیم در کنار هر کلیسا، مدرسه‌ای دایر کنیم و در آن فرزندان روستا را از نظر فکری، روحی و عاطفی پرورش دهیم و آنچه که می‌بینید، ثمره این تلاش است.

این جریان، شیخ را به یاد پیشرفت و تمدن اسلامی در عصر طلایش انداخت که همواره دانش و تعلیم و تربیت از مسجد جدا نبوده و فاصله نگرفته بود.

۴) سفر به مصر

پس از کامل کردن محاوره و مکالمه زبان عربی و کتابت آن، در سال ۱۹۳۸ میلادی علامه شیخ محمدتقی قمی لبنان را به قصد مصر ترک کرد و با اولین شخصیتی که در آنجا ارتباط برقرار کرد، رئیس الأزهر - وقت، شیخ بزرگ محمد مصطفی مراغب بود. وضعیت کینه و تفرقه و تشنیت مسلمانان را برای وی بازگفت و اندیشه تقریب میان مذاهب اسلامی را مطرح کرد. شیخ مراغبی - با توجه به وضعیت سیاسی و اختناقی که در آن عصر حکم فرما بود - با ترس و لرز اصل موضوع را پسندید و وی را مورد تشویق قرار داد و بعدها به گونه‌های گوناگون این اندیشه را دنبال کرد و کمک‌های لازم را ارائه نمود. در گام بعدی، به علامه قمی پیشنهاد داد که کارش را با برگزاری یک سلسله سخنرانی در دانشگاه الأزهر و جاهای دیگر آغاز کند و برای این که وی به راحتی بتواند با برخی از شخصیتها به‌ویژه متفکران تقریبی ارتباط برقرار کند، زمینه‌های مساعدی فراهم کرد.

در پی آن، علامه بلاغی، خانه‌ای محقر برای محل اسکان و زندگی‌اش اجاره کرد که پس از آن مرکزی برای فعالیت علمی و سپس مقری فعال برای تقریب در قاهره به شمار رفت.

در خلال اقامتش در مصر، با متفکران و اندیشمندان مختلف در دانشگاه الأزهر ارتباط برقرار کرد که هر یک از آنان نسبت به شخصیت علمی، ادبی، اخلاص و مودت به وی ابراز علاقه وافر نموده‌اند.

با آغاز جنگ جهانی دوم، علامه قمی، مجبور شد به ایران برگردد و در این میان همانند گذشته به تقریب میان مذاهب اسلامی پرداخت. در این عصر - یعنی حدود سال ۱۹۴۵ میلادی - حضرت آیت الله العظمی سید حسین بروجردی در شهر قم مستقر بودند و شیخ محمدتقی با وی ملاقات کرد و شرح تفصیلی سفرش و اجمالی از فعالیتش را در موضوع تقریب ارائه نمود. آیه الله بروجردی با ابراز خوشحالی و تأیید فعالیتهاش، مقرر نمود که از این حرکت پشتیبانی شود. بدین سبب، طرح تقریب مورد تأکید بزرگترین مراجع دینی اهل-سنت و شیعه قرار گرفت، چیزی که می‌توان آن را یکی از ارکان اساسی پیروزی و موفقیت چنین طرحی برشمرد.

۵) تلاشهای تقریبی

تدریس فقه مقارن در دانشگاه الأزهر، تغییر برخی از قوانین کشور مصر بر طبق مذهب شیعه، انتشار کتاب فقهی «مختصر النافع» و تفسیر «مجمع البیان» با مقدمه‌ای از شیخ الأزهر، در مصر از جمله اقدامات سودمند و بی-سابقه‌ای بود که در پرتو دارالتقریب انجام یافت، از دیگر تلاشهای تقریبی علامه قمی می‌توان موارد ذیل را بیان کرد:

- سخنرانی در مجلس ویژه‌ای با حضور شخصیتهای سیاسی و فرهنگی شهر مقدس مشهد، پیرامون تقریب مذاهب اسلامی.

- تقدیم نمودن فتوای تاریخی شیخ شلتوت مفتی بزرگ مصر، پیرامون جواز پیروی از مذهب شیعه جعفری (که با خط شیخ شلتوت بود)، به آستان قدس رضوی (علیه السلام).

- ارتباط و نامه‌نگاری با بزرگان شیعه. به عنوان نمونه، نامه‌ای که شیخ محمدتقی قمی خطاب به حضرت امام خمینی (رحمه الله) پیرامون صدور بیانیه‌های معظم له در موضوع وحدت و انسجام مسلمانان (به ویژه شیعه و سنی) در ذیل از نظر می‌گذرانیم:

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آية الله العظمى خمینی (دامت برکاته)

بعد از سلام و تحیات قلبی

بیانیه‌های شما در مورد اخوت مسلمانان شیعه و سنی، و اهتمام حضرت عالی به مقابله با اختلاف و نهی از تفرقه بین گروه‌های اسلامی و تأکید بر عدم وجود حد فواصل بین شیعه و برادران اهل-تسنن، در حقیقت با مسئولیت مرجع بزرگ اسلامی در صحنه جهان اسلام متناسب است. البته تأیید اتحاد محکم، به اذهان دعوت اصلاحی به سوی تقریب مذاهب اسلامی بر می‌گردد، من شخصاً از آن جایی که عمر خود را در راه این دعوت سپری کرده، و بار مسئولیت آن را در سطح جهانی تحمل کردم و از طرف خود و بزرگان علمای هر دو گروه که با من در سراسر جهان همکاری می‌کنند، نهایت ارزش را برای فرمایشات با ارزش شما قائلم و تأثیرات مثبت آن را در دعوت عظمت مسلمانان می‌ستایم.

برای حضرتعالی مزید توفیق در این راه برای تحقق اهداف متعالی اسلام خواهانم.

محمدتقی قمی ۱۳۵۷/۱۱/۲۸ (روزنامه اطلاعات، اول اسفند ماه ۱۳۵۷).

- اقدام مهم تاریخی در تأسیس دارالتقریب بین المذاهب اسلامی، در سال ۱۳۶۰ هجری قمری به همراه آقایان: شیخ محمود شلتوت، شیخ محمد مصطفی مراغب، مصطفی عبد الرزاق و عبدالمجید سلیم.

- انتشار مجله «رسالة-الاسلام» که مطالب آن عموماً مربوط به تقریب مذاهب اسلامی، دعوت به وحدت و یکپارچگی امت اسلامی و تفسیر قرآن کریم بود.

- نامه نگاری و روابطی صمیمانه با شیوخ وقت الأزهر، خصوصاً شیخ محمود شلتوت.

برای پی بردن به عمق این روابط به چند مورد ذیل که توسط شیخ شلتوت برای ایشان نگاشته گردیده است، اشاره می‌گردد:

شیخ محمدتقی قمی، پیشوای مصلح و برادر من، نخستین کسی است که علماً را به مسأله تقریب دعوت کرد و به خاطر آن (از ایران به مصر) هجرت نمود.

آن قدر به او (شیخ محمدتقی قمی) ایمان دارم که در آخرت حاضر، هر جا که او را بردند با او بروم، حال هر کس می‌خواهد بیسندد یا نپسندد.

و در نامه‌ای به علامه شیخ محمدتقی این-گونه می‌نویسد:

جناب آقای علامه جلیل استاد محمدتقی قمی

دبیر کل جماعت تقریب بین مذاهب اسلامی

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

اما بعد با نهایت مسرت، یک نسخه از فتوای امضا شده خود را که در مورد جواز پیروی از مذهب شیعه امامیه صادر نموده‌ام، به پیوست حضورتان تقدیم می‌دارم، امیدوارم آن را در آرشيو دارالتقریب بین مذاهب اسلامی که اینجانب افتخار شرکت در تأسیس آن را دارم، نگاه دارید.

خداوند ما را در پیشرفت رسالت این مؤسسه، توفیق عنایت فرماید.

والسلام علیکم و رحمة الله

شیخ جامع الأزهر

محمود شلتوت

(۶) همکاری با جماعه تقریب

تأسیس دار التقرب، گامی بود تا عالمان و اندیشمندان مذاهب اسلامی گرد هم آیند و در کنار یک دیگر چاره اندیشیهای لازم را برای پیشرفت امت مسلمان ارائه دهند. شیخ قمی با علاقه‌ای که به این امر داشت، کار گروهی خود را ادامه داد، و روابط گسترده‌ای با اساتید و علما ایجاد کرد. در منزل محقر و بی‌آلایش وی، جلسه برگزار می‌گردد و برخی از جلسه‌ها در یکی از رواقهای دانشگاه الأزهر برگزار می‌شد و در آن مشکلات مسلمانان، مسائل و شبهه‌های مذهبی مطرح می‌گردید و گفتگوهای امیدوار کننده به گوش می‌رسید تا این که انسجام و اتحاد و همبستگی گروهی شکل بهتری به خود گرفت و تعدادی دیگر از معتقدان به تقرب به آن پیوستند.

شیخ مراغی هم همواره تلاش می‌کرد تا رسالت تقرب به سرانجامی مطلوب نایل آید. یکی از اقدامهایی که او انجام داد، این بود که شیخ قمی را به گروهی از علما معرفی نمود. این افراد از تلاشهای وحدت مسلمانان و رفع تفرقه بین آنها حمایت می‌کردند. از جمله این علما، شیخ مصطفی عبدالرزاق بود که بعدها به ریاست الأزهر رسید، شیخ عبدالمجید سلیم و شیخ محمود شلتوت (که هر دو آنها متولی ریاست الأزهر شدند)، شیخ محمد مدنی و شیخ محمد علی علویه پاشا از دیگر حامیان شیخ قمی به حساب می‌آمدند. سپس شیخ قمی جمعی دیگر را برگزید، از جمله این بزرگان شیخ حسن البنا، شیخ عبدالعزیز عیسی و شیخ علی مؤید از کشور یمن و سید آلوسی فرزند صاحب تفسیر روح المعانی بود. از این گروه بود که هسته اولیه جمعیت همبستگی و تقرب شکل گرفت. همین جمعیت مؤسسه‌ای را بنیان نهاد که «دار التقرب» نام گرفت و خانه محقر شیخ قمی مرکز فعالیت آنها شد. (اتحاد و انسجام، ص ۴۵۳)

متعصبی در جمع گروه

علامه شیخ محمدتقی قمی می‌گوید: «از بین اعضای جمعیت، شخصی متعصب در مذهب و مخالف با هرگونه نظریه، نسبت به همبستگی با شیعه را انتخاب کردم. زمانی که شیخ مراغی از این موضوع اطلاع یافت، شخصی را نزد من فرستاد و با تعجب از من پرسید، چرا این شخص را انتخاب کردید؟ در جواب گفتم: او را با آگاهی از تعصب او انتخاب کردم، زیرا ما در بین خود کسی را می‌خواهیم که اعتراض‌ها را مطرح کند، به طور غیر مستقیم مسئول جواب دادن به آن سوال باشیم. هنگامی که شیخ مراغی جوابم را شنید، نگرانی از صورتش برطرف شد و در حالی که خوشحالی، او را در خود غرق نموده بود، گفت: این نوع تفکر و آزادنشی را به تو تبریک می‌گویم و شما با این ویژگیها به طور قطع در دعوت خود موفق خواهید شد.» (پیشینه تقرب، ص ۱۷۳-۱۷۴).

۷) پارسایی و خردمندی

گرچه علامه شیخ محمدتقی قمی از حیث ظاهر دارای قامت لاغر و نحیف بود، لیکن مردی با وقار، با صورتی درخشان، منطقی و وزین، با منانت و اخلاقی کریم و دوست داشتنی برخوردار بود. این صفات از علت‌های پیروزی او در دعوتش بودند. ولی در عین بی‌چیزی و پارسایی شیخ قمی، مداوم این دیدگاه را در بین گروه‌های مختلف از علما و تحصیل کرده‌ها ترویج می‌داد و در تمام مجامع و مراکز به شهرت خیره کننده‌ای دست یافت. ولی با وجود این، شیخ، شدیداً از تنگدستی و کمبود مالی رنج می‌برد. خانواده‌اش در ایران به طور نسبی در آسایش بودند و در نیازمندیهای مالی او را یاری می‌دادند. ولی شرایط به طور منظم آماده رسیدن پول به وی نمی‌شد. در برهه‌ای بحرانی از دوران تنگدستی، یکی از سفارتخانه‌های غربی در قاهره با او تماس گرفت و از او دعوت به عمل آورد. شیخ دعوت را پذیرفت و در آن جا اهداف و مقاصد خود را توضیح داد. سفیر، مبلغ چشم‌گیری پول به عنوان کمک به طرح او به ایشان پیشنهاد نمود. شیخ از این پیشنهاد ناگهان یکه خورد. به ویژه، این پول در شرایط نیازمندی شدید برای او حاصل می‌شد. ولی او بعد از تأملی کوتاه خطاب به سفیر گفت: «در حقیقت من به پول احتیاج خیلی زیاد دارم، ولی از گرفتن هر مبلغی از این پول امتناع می‌ورزم تا نکند که درباره این دعوت شبهه‌ای صورت گیرد.»

شگفت این جا است که شیخ قمی از گرفتن این مبلغ در زمانی که جیب او حتی از یک ریال پول هم خالی بود امتناع ورزید. خود او می‌گوید: «از سفارت به طرف خانه پیاده برگشتم چرا که توانایی پرداخت کرایه درشکه را نداشتم!» (اتحاد و انسجام، ص ۴۵۲-۴۵۳)

نمونه‌ای دیگر از خردمندی شیخ قمی، جلوگیری از سوء استفاده شاه ایران نسبت به اعلان فتوای شیخ شلتوت بوده است. وقتی که قمی به ایران بازگشت رادیو و تلویزیون (دولتی) آن عصر، در صدد برآمدند که این موفقیت را به نوعی به محمدرضا شاه ایران، نسبت دهند. شیخ به شدت جلوگیری کرد و برای رساندن پیام رئیس الأزهر، شهر مقدس مشهد را که از جایگاه دینی و علمی برخوردار است برگزید و در جلسه‌ای علمی که بسیاری از عالمان بزرگ - و در رأس آن مرجع دینی آیت الله سید محمد هادی میلانی (قدس سره) - حضور داشتند، فتوای شیخ شلتوت را رسماً اعلان و قرائت کرد.

۸) اندیشه‌ها

- علامه شیخ محمدتقی قمی معتقد بود اگر درست به ریشه نام دو مذهب شیعه و سنی توجه کنیم، تمام مسلمانان را شیعه می‌یابیم، زیرا همگی دوستان خاندان پیغمبرند و همگی را نیز اهل-سنت می‌یابیم زیرا کلیه مسلمانان، هر سنت و دستوری (را که) از

طریق مطمئنی از پیغمبر گرامی (صلی الله علیه و آله) وارد شده باشد، لازم الاجرا می-انند. بنابراین ما همگی سنی، شیعه، قرآنی و محمدی (صلی الله علیه و آله) می-باشیم. (تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ص ۸۱)

- در نگاه علامه قمی، مسلمانان همگی در اصول با یک دیگر مشترکند، زیرا حکمت خداوند بر این قرار گرفته است.

- به عقیده وی، تمامی مذاهب، اعم از شیعه و سنی در ایجاد فرهنگ اسلامی و رشد و نمو و تعالی آن سهیم بوده-اند.

- او همواره، اذعان می-نمود که اگر خواهان عزت و سربلندی گذشته باشیم، تنها یک راه پیش روی مسلمین قرار دارد و آن وحدت فرق اسلامی است.

- از منظر وی، مسلمانان در صدر اسلام با همبستگی و یکپارچگی توانستند کاخ فرهنگ اسلامی را بنا نمایند. (اتحاد و انسجام، ص ۴۴۶).

۹) از دار-التقریب تا مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

چند دهه از تأسیس دارالتقریب سپری شد. عالمان و متفکرانی از اهل-سنت و شیعه در این عرصه سخن گفتند، کتاب نوشتند، مقالاتی تدوین کردند و در مجلات و روزنامه-ها نشر دادند. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رویکرد وحدت امت اسلامی با افکار خردمندانه حضرت امام خمینی (رحمه الله)، جان تازه-ای گرفت و علاوه بر مسائل مذهبی در عرصه-های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صدای وحدت-آمیز بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و در پی آن اعلام هفته-ای به نام وحدت، و مشارکت اقشار مختلف مردم در مراسم ویژه این هفته، بسیاری از آرزو و آمال اصحاب دارالتقریب تحقق پیدا کرد، و هر روز بر یأس و نومیدی دشمنان اسلام و مسلمین افزوده شده بود.

در ادامه این تلاش، شاهکار دیگری صورت گرفت و آن تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی بود. زمانی که مقام معظم رهبری حضرت آیه الله العظمی خامنه-ای (مدظله العالی) با تدبیر و عنایات ویژه قصد راه-اندازی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی را داشتند، معتقد بودند که احترام به پیشینیان اقتضا می-کند که با علامه شیخ محمدتقی قمی مشورت نمایند. لذا، مقام معظم رهبری با واسطه، پیام شفاهی-ای برای شیخ محمد تقی قمی که در پاریس بسر می-برد فرستادند. شیخ بسیار خوشحال شد و با همان واسطه جواب خوب و مناسبی در تجلیل رهبر انقلاب فرستاد. پس از آن شنیده شد که این احترام و تجلیل معظم له از شیخ قمی، در وی انگیزه و نیرویی ایجاد کرده بود که باعث گردید دوباره به راه تقریب و برگشت به قاهره برای از سرگیری فعالیت‌های دارالتقریب تصمیم بگیرد. ولی حادثه تصادف در یکی از خیابانهای پاریس در حالی که رهگذر بود به زندگی این بزرگمرد عرصه تقریب و الگوی همبستگی عصر حاضر در سن هشتادسالگی پایان داد. (ر.ک: پیشینه تقریب، ص ۱۹)

تشییع و تدفین پیکر آن مرحوم در روز ۶/۶/۱۸ انجام گرفت و طبق وصیت در امامزاده عبدالله (در تهران) به خاک سپرده شد.

نتیجه

نگاه اجمالی به تلاش شصت ساله علامه شیخ محمدتقی قمی بیانگر اهتمام ویژه وی به مسأله تقریب میان مذاهب اسلامی است.

تقریب و وحدت مذاهب اسلامی در عصر کنونی مدیون اندیشه‌های یکی از پیشگامان جنبش تقریبی و بیداری اسلامی در قرن چهاردهم هجری یعنی علامه قمی است که تمامی عمر خود را وقف این برنامه حیاتی و مهم ساخته بود. تردیدی نیست که فعال کردن موضوع تقریب، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است، به ویژه که امت اسلام، اینک دوران بسیار دشواری را از سر می-گذراند که مستلزم نیرومندی، استقامت، صلابت در رویارویی با یورش دشمنان و گروه-های تکفیری است، باید همه کوششها و توانها را در راه پیشبرد و گسترش این مهم به کار گرفت. بی‌توجهی و اهمال در این کار - با هر عذر و بهانه‌ای که صورت گیرد - بدون تردید پیامدهای ناخوشایندی برای مسلمانان و امت اسلامی خواهد داشت.

مراجع

۱- فصلنامه تاریخ و فرهنگ معاصر، شماره ۱.

۲- اتحاد و انسجام، مؤسسه امام هادی (علیه السلام)، انتشارات پیام امام هادی (علیه السلام)، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۶، قم، ایران.

۳- پیشینه تقریب، محمدعلی آذرشب / نشر مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴.

۴- تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ویژه نامه چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی، مهر ماه ۱۳۶۹.

۵- روزنامه اطلاعات، اول اسفند ماه ۱۳۵۷.

- ٦- قصّة التقريب، شيخ محمدتقی قمی، اعداد و تقدیم و ملاحق: سید هادی خسروشاهی، المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامیة، الطبعة الأولى، ١٤٢٨ هـ. ق، طهران، ایران.
- ٧- خبرگزاری تقرب.